

# وقتى قلم

در گفت و گو با محمد محمودی نورآبادی



استان در دوران دفاع مقدس می‌پردازد، در این اثر تلاش یک روستا با همبان سادگی اهالی‌اش برای بیرون کردن دشمن از خاک کشورشان به تصویر کشیده شده است. باید اشاره کنم که دو کتاب از من در جشنواره داستان انقلاب برگزیده شده‌اند. کتاب «خنده‌زار» برگزیده چهارمین جشنواره کشوری داستان

و یادآوری وقایع نوشتیم. مهم‌ترین ویژگی این اثر این است که در این کتاب علاوه بر خاطرات خودم، خاطرات رزمندگانی که از روستای زادگاهم، مهرنجون، به جنگ آمده بودند نیز روایت شده است. در حقیقت این کتاب، کتاب خاطرات یک روستا در جنگ است. اگر آثاری مثل «بوشهر در جنگ» به فعالیت‌های یک



به‌یقین یکی از علل ماندگاری و مانایی فرهنگ دفاع مقدس، ادبیات داستانی این حوزه است. نوعی ادبیات که با توجه به ویژگی‌ها و جاذبه‌های متفاوتی و عمیق خود باعث شده گرد فراوانی روی این حادثه درخشان نشیند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت ثبت ابعاد مختلف این حماسه خود یک نوع جهاد فرهنگی است و دست‌کمی از دفاع از کشور ندارد. زیرا این نوع ادبیات، دارای ریشه‌ای بومی است و چون در قالب آثار ترجمه‌ای و وادراتی ارائه نشده، طیف زیادی از مردم را با ادبیات آشنی داده و گروهی وسیع از خوانندگان این آثار را قهرمانان و قایقی حقیقی که در همین مرز و بوم اتفاق افتاده، آشنا کرده است. برای آشنایی بیشتر با این گونه از ادبیات نیازمند آن هستیم که بیشتر این حوزه و جذبات و درد دل‌های خالقان این گونه آثار ببینیم. محمد محمودی نورآبادی، رزمنده ایثارگر، برادر دو شهید و صاحب آثار درخشان در حوزه ادبیات دفاع مقدس و مقاومت، در گفت‌وگوی اختصاصی با روزنامه جام‌جم از ادبیات و ضرورت ثبت تجارب زیسته و یادگارهای ۸ سال دفاع مقدس در قالب آثار ادبی و ماندگار سخن گفته است.

۱۳۹۴ در پوشش مدافعان افغانستانی با نام‌های بشیر و جواد رضایی با آموختن لهجه افغانستانی راهی سوریه شده و بعد از چندماه در یک زمان به شهادت می‌رسند. اثر دیگری که نوشته‌ام کتاب «سرریزون» است. کتابی که به زندگی و شهادت جوانی روستایی به‌نام علی شیر شیعی اختصاص دارد که در سحرگاه ۱۳۶۶ بعد از دو شبانه‌روز جنگیدن با کماندوهای لشکر گارد ریاست جمهوری عراق، با شلیک تانک عراقی در تبه «ریشن» به شهادت می‌رسد. ضمناً همان «کاش چشم‌هایش دروغ گفته باشد» را براساس زندگی و نحوه شهادت برادرم شهید عبدالرسول محمودی نورآبادی نگاشته‌ام. کتاب «اورامان» نیز خاطرات سردار «امان‌الله حیدری» از جانبازان گران قدر دفاع مقدس است که این کتاب در ۱۴ صفحه و ۱۲ فصل تالیف و تدوین شده است.

کتاب داستانی «تُنج» نیز از دیگر آثار من است. روایت تلاش مرد جوانی از عشایر است که پدرش زمانی که گوسفندانش را به چرا برده در نزاعی بر سر محل چرای گوسفندان، به ضرب گلوله چوپان دیگری کشته می شود. خانواده قاتل، به رسم و عادت به نام خون بس، دختر خود را به عقد فرزند مقتول در می آورند تا او به خاطر این پیوند از کشتن قاتل پدرش صرف نظر کند.

❓ **ظاهرا شما در زمینه های دیگری غیر از رمان هم آثار قابل توجهی دارید!**

بله. در زمینه خاطره‌نویسی و زندگی‌نامه نیز در برخی آثارم، به ویژه در «مهرنجون» و «گلایی‌های وحشی»، به روایت خاطرات شخصی خود از دوران نوجوانی، حضور در جبهه و زندگی در روستا پرداخته‌ام که این آثار به نوعی جنبه مستند و تاریخی دارند و به عنوان منابع معتبر تاریخ شفاهی جنگ و زندگی روستایی مطرح اند.

علاوه بر آن در زمینه داستان و رمان اجتماعی و فرهنگی نیز علاوه بر موضوعات جنگ، به مسائل اجتماعی، فرهنگی

و زندگی مردم روستا و ایل  
پرداخته‌ام که می‌توانم از جمله  
آنها به آثاری چون «هزارویک  
جشن»، «به نقش گلیم»، «سه  
نیمه‌سیب» و «باباگوئی» اشاره  
کنم؛ در واقع نمونه‌هایی از این  
دسته‌اند که فرهنگ، آداب  
و رسوم و دغدغه‌های مردم  
مناطق مختلف ایران را به تصویر  
می‌کشند.

ادبیات انقلاب و مقاومت  
منطقه‌ای نیز در آثارم نمود  
داشته و برخی آثارم مانند  
«خنده‌زار» و «شام برفی» به

موضوعات انقلاب اسلامی و تحولات منطقه‌ای (مانند بحران سوریه) می‌پردازند. ضمن این‌که رمان «شام برفی» براساس خاطرات اسارت زائران ایرانی در سوریه نوشته شده و تصویری مستند از اوضاع آن کشور ارائه می‌دهد. باید اضافه کنم شعر و روزنامه‌نگاری نیز جزو دغدغه‌هایم بوده و فعالیت‌هایی در زمینه شعر و روزنامه‌نگاری نیز داشته و بخشی از آثارم در قالب شعر و یادداشت‌های مطبوعاتی منتشر شده‌اند. اگر بخواهم به‌طور خلاصه اشاره کنم، آثارم عمدتاً در زمینه‌های دفاع مقدس، خاطره‌نویسی، داستان

اجتماعی و فرهنگی، ادبیات انقلاب و مقاومت و همچنین شعر و روزنامه نگاری نوشته و منتشر شده‌اند.

۴) در این میان انگار روستای محل تولد وزادگاه خودتان را هم فراموش نکرده‌اید؟

بله. همین طور است و کتاب «مهرنجون» خاطرات من از روزهای جنگ تحمیلی است. این گونه که بخشی از این خاطرات برگرفته از یادداشت‌های روزانه‌ای است که در طول مدت و در صحنه جنگ نوشته بودم و بخش دیگر را با مراجعه به حافظه

و می‌گفت این تصویری که شما در کتاب بیان کرده‌اید من را خیلی تحت تأثیر قرار داده است. فکرش را بکنید که این تماس و گفت‌وگو برای یک نویسنده چقدر مهم و شوق انگیز بود! اما الان من بینمی که هیچ ارتباط عاطفی عمیقی بین این دوستان و بچه‌های نویسنده و بین مدیران و نویسنده‌ها نیست. انگار همه‌اش شده مراسم و این‌که عکسی بگیریم و برویم به دیگران نشان بدهیم و این سایت‌ها و داستان‌های تبلیغاتی که متأسفانه همه گرفتارشان شده‌اند، که داستان خودش را دارد. این درحالی است که حضرت آقا خیلی تأکید دارند بالاخره آن‌کسی که این وسط و جوهر اصلی کار و تولید یک اثر است، نویسنده است.

۴) **صحبت از انقلاب و جنگ و نوشتن**  
شد، یادام رفت بخواهم کسی هم از  
خودتان بگوید: از اولین کتاب‌ها، حضور  
در جبهه، دلیل نویسنده شدن و  
نویسنده ماندن و دیگر نکاتی که می‌تواند  
به مخاطب و خواننده اطلاعات بیشتری  
درباره شما بدهد.

من در سال ۱۳۴۹ در یک خانواده  
پرجمعیت عشایری و روستایی به دنیا  
آمدم. خداوند متعال عنایتی کرد و پاییز

۱۳۶۵ زمانی که ۱۶ ساله بودم، عازم جبهه جنگ شدم و در دو عملیات کربلای ۴ و ۵ منطقه شلمچه مشق جوانی کردم. باید اشاره کنم که از کودکی به نوشتن و نویسندگی علاقه داشتم و انشاءهای خوبی در مدرسه می‌نوشتم. حضور در جبهه جنگ و شهادت برادر بزرگم، معلم شهید «عبدالرسول محمودی» دستمایه نوشتن شد. آن حادثه کمک کرد گوهر درونی‌ام شکوفا شود. به‌همین دلیل ادبیات دفاع مقدس و جنگ، بخش عمده‌ای از محتوای آثارم من جمله خاطرات، رمان‌ها و داستان‌هایی است که در آنها به تجربه‌های شخصی و جمعی دوران جنگ ایران و عراق (دفاع مقدس) پرداخته‌ام.

**اولین کتابتان با چه عنوانی منتشر شد؟**

اولین کتابی که به رشته تحریر  
درآوردم، کتاب «گلایه‌های  
وحشی» بود. این کتاب روایتی  
از خاطرات دوران دفاع مقدس  
از عملیات کربلای ۴ و ۵ است که  
توسط انتشارات سرداران فارس  
منتشر شد. حقیقتش زمانی که  
این کتاب را نوشتم، احساس

کردم باری از روی دوشم به زمین گذاشته‌ام و دینم را ادا کرده‌ام.

ولی در گفت‌وگویی که بین من  
و آقای اکبر صحرایی، نویسنده

اندیشمند و خوش قلم دوره دوازدهم مقدس  
شکل گرفت، ایشان گفت این دین که بر  
گردن ماست، باید به بهترین شکل ادا  
شود، پس باید همچنان به نوشتن ادامه  
بدهیم و این ذهنیت را در من تقویت کرد  
که دست از نوشتن برندارم و از قلم دست  
نکشم. اگر بخواهم از کتاب های دیگر  
نام ببرم، باید بگویم «شام برفی» را خیلی  
دوست دارم. کتاب «شام برفی» رمانی  
است که به ما مجاری روده شدن ۲۸ ایرانی  
در تابستان سال ۹۱ از مسیر فرودگاه به  
زنجبیه توسط تفریحی ها پرداخته و ۱۵۹  
روز طول می کشد تا از جنگ آنها زنده  
بیرون بیایند و به ایران برگردند.

حالا که صحبت از اولین‌ها شد، باید اضافه کنیم کتاب «سه نیمه سب» نیز اولین کتابی است که از زبان مادر روایت می‌شود و زندگی دو برادر شهید «مصطفی و مجتبی بختی» را روایت می‌کند. این دو برادر ایرانی و ساکن قاسم‌آباد مشهد هستند؛ یکی خادم امام (رضاع) و دیگری دارای رتبه کارشناسی ارشد حقوق که هرچه تلاش می‌کند از طریق راه‌های قانونی به سوریه برود، به نتیجه نمی‌رسند؛ در نهایت در سال

نوشتن ماندگار کنیم. چون اگر آن مقدمه را از مسیر حرکت آقا ابا عبدالله از مذهب تا مکه و کربلا در نظر بگیریم و آنچه را حضرت زینب(س) روایت می‌کند، ببینیم و دقت کنیم چه اتفاقی می‌افتد و چه ادبیاتی از دل آن یک‌روز بیرون می‌آید، حتما خواهیم پذیرفت این روایت آن واقعه است که چنین حرکتی را ماندگار کرده. به همین دلیل در بخش‌های مختلف از تعزیه، نمایش، فیلم، کتاب و شعر تا همه آنچه در حوزه‌های نقاشی، خطاطی و ... اتفاق می‌افتد، آثاری هنری در مورد کربلا و عاشورا خلق شده است. در حقیقت متوجه خواهیم شد که آن روایتگری هنرمندانه حضرت زینب(س) است که آن حادثه بزرگ را در دل تاریخ ماندگار کرده. حالا باید به سؤال شما اشاره کنم و بگویم اتفاقا نکته این است که در دفاع مقدس، الگوی ما مطابق همان رخداد و روایت ماندگار بود. چون اگر کمی دقت کنیم درمی‌یابیم راه و رسم یکی است، ادبیات یکی است و در حقیقت هر دو تاوادم یک مسیر است. چون حرکتی که در مقابل صدام می‌بینیم، عین همان حرکتی است که حضرت ابا عبدالله(ع) در مقابل یزید نشان می‌دهد.

❓ از نگاه شما در حوزه نوشتن و ثبت تاریخ به روش‌های مختلف از جمله خلق آثار ادبی تاجه‌حد موفق بوده‌ایم؟

من بر این نکته تاکید می‌کنم که ما چون از خودمان، از انقلاب و دفاع مقدس به عنوان اصولی، ارزشی دفاع کرده‌ایم، با آنچه در حوزه تاریخ شفاهی - چه خاطرات خودنوشت و چه نقل آنها در قالب‌های دیگر - نوشته‌ایم، به نقطه قابل قبولی رسیده‌ایم و در نتیجه نویسندگان این حوزه با آن اتفاق بزرگ به بلوغ و بالندگی قابل قبولی رسیده‌اند که از رهگذار آن اتفاق‌های خوبی رخ داده است. جالب است که بگویم این مسیر همان راهی است که به نظر می‌رسد هر چه از زمان وقوع رخداد فاصله می‌گیریم،

غبارها بیشتر فرومی نشینند و  
اوضاع روزگار دوباره به شکلی  
روشن تر و شفاف تر به چشم ما  
می آید. به همین دلیل فرصت  
بیشتری برای نوشتن داریم،  
منتها می خواهیم به این نکته  
اشاره کنم که به همان میزان که  
نویسنده های این عرصه موفق  
نموده اند، تالیان امر این  
ناموفق بوده اند.

**نیز آثارشان را با اعتقاد و**

واقیعتش این است که ناشران این آثار در دهه ۸۰ تا اوایل دهه

۹۰، یعنی تا سال‌های ۹۱ و ۹۲ خیلی خوب از این حوزه و نویسندگان حمایت کردند اما تقریباً از اوایل دهه ۹۰ در راستای همان اتفاقی که برای اقتصاد افتاد، فرهنگ هم در این زمینه دچار مشکل شد. شاید دلیلش همان مشکل اقتصادی باشد که روی فرهنگ هم اثر گذاشت اما هرچه بود متولیان این امر در حوزه نشر این آثار دیگر آن انگیزه، گرمی و حرارت آن

دوران را داشتند و ندارند. مثلاً خوب خاطریم هست که در آن سال‌ها زنده‌یاد امیرحسین فردی، خیلی به همکاران خود تاکید می‌کرد و می‌گفت دوستان ما که از مرکز دورند باید خیلی عزیزتر باشند. ولی حالا اوضاع به‌گونه‌ای شده که من نویسنده علاقه‌مند هم نمی‌دانم رئیس

مرکز آفرینش های هنری کیست! خوب  
خاطرمد هست که یک بار من پشت فرمان  
ماشین بودم و آقای فردی به من رنگ زده  
بود و از کتاب من می گفت که در جشنواره  
«داستان انقلاب» اول شده بود؛ کتابی  
که هنوز چاپ نشده ولی در جشنواره  
«داستان انقلاب» اول شده بود. ایشان  
با من تماس گرفته بود و یک صفحه ای  
از کتاب را پشت تلفن برای من می خواند

با تشکر از وقتی که در اختیار روزنامه جام جم قرار دادید، برای مان از ماجرای نویسنده شدن خودتان بگویید.

ممنونم که پرداختن به ادبیات دفاع مقدس و گفت‌وگو با برویجه‌های این حوزه هنوز و همچنان در دستور کار جام‌جم قرار دارد. در حوزه تاریخ‌سafari جنگ، تاریخ‌نگاری جنگ و تمام موارد دیگری که تصویری از جنگ ارائه می‌دهند - که ما از آن به دفاع مقدس تعبیر می‌کنیم- باید بگوییم با پیروزی انقلاب اسلامی و فاصله بسیار کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب، ایران مورد تهاجم قرار گرفت و ارکان انقلاب چارهای نداشتن جز این‌که همان‌جوری که پشت کارخیز و در نبرد برای خودش فرمانده و تک‌تیرانداز و آربی‌جی‌زن و تیربارچی و همه این‌ها را تربیت کرد، در حوزه نوشتن و تاریخ‌نگاری هم همین‌گونه عمل کنند. به همین دلیل کسانی که دستی بر این آتش داشتند، مهارت و توانمندی داشتند و برای نقل آنچه دیده بودند، تربیت شده بودند، خودبه‌خود دست‌به‌کار شدند. در حقیقت انقلاب آن قدر درگونی‌به‌وجود آورد بود که هر اتفاقی می‌افتاد انگار که یک نویسنده و باید برای آن چاره‌ای اندیشید. یک طرف، نویسنده‌هایی مثل احمد محمود «زمین سوخته» را از نگاه خود نوشتند که گره‌های اثری است که رشتی‌های جنگ و رشتی‌کار دشمن را نشان می‌دهد - و دفاع مقدس حرکتی درمقابل این رشتی‌است- اما او در این اثر می‌گوید جنگ اساساً زشت است، صدام محکوم می‌کند و جنگ را محکوم می‌کند اما نکته‌اش این است که با نگاه و جهان‌بینی خودش دفاع را مشروع نشان نمی‌دهد. موضوعی که اتفاقاً و دقیقاً نقطه‌اختلاف ما نویسنده‌هایی است که همه با جنگ مخالفیم اما نمی‌توانیم دفاع مشروع را منکر شویم و اتفاقاً آن‌را مقبول و لازم می‌دانیم. همین است که در انقلاب و دفاع مقدس بزرگانی چون شهید آوینی و دیگران وارد میدان می‌شوند و نویسنده‌هایی که وارد این عرصه شدند آثارشان را با اعتقاد و جهان‌بینی انقلاب اسلامی نوشتند. البته باید اشاره کنم تلاش

برای نوشتن و ثبت و ضبط اتفاقات  
تاریخ انقلاب و جنگ که اگرچه  
آزمون و خطا کم نداشت - و وجود  
چنین نقاطضعفی برای چنان کار  
عظیمی طبیعی بود- اما باعث  
شکلگیری نسلی از نویسندگان  
شد که من هم خودم را در آن گروه  
و از دسته کسانی می دانم که باین  
انقلاب بزرگ شدید، در صحنه های  
دفاع مقدس شرکت کردیم و بعد از  
جنگ هم تمام وقت مان و گذاشتیم  
تا آن حماسه بزرگ را آن گونه که  
شایسته رزمندگان دلاور ماست  
بنویسیم. شاید لازم باشد اشاره کنم

و بگویم ما از صفر شروع کردیم و هدف ما این  
این بود که زیر این بار بزرگ برویم و گوشه‌ای  
از کار را بگیریم تا سرمنده پاران شهید خود  
نشویم و بتوانیم این امانت را به سرمنزل  
مقصود برسانیم. در این میان یک بخش  
مهم کار، گزارش همان مجاهدت‌های بزرگی  
بود که مردم ما، رزمندگان ما، مجاهدان ما  
و در واقع ملت ایران پشت کاریز از خودشان  
نشان دادند.

۹ آن‌گونه که در برخی از گفت‌وگوها مطرح کرده‌اید و این نوع نگاه در آثار شما هم به چشم می‌خورد، اعتقاد محمد محمودی نورآبادی این است که انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مقاومت را ادامه قیام کربلا و تاریخی می‌داند که شیعه با آن هویت پیدا می‌کند. لطفاً در این مورد کمی توضیح دهید.

اتفاقاً آنچه برای من مهم بود و حتماً باید اتفاق می‌افتاد، ماندگار کردن این واقعه و ثبت آن بود که کار آسانی هم نبود؛ و اتفاقاً راز امام یک جریان بزرگتر، اصل‌تر و قدیمی‌تر می‌دیدم. یعنی اگر کل واقعه کربلا یک صبح تا ظهر بود ولی آن همه عظمت داشت و در حقیقت با ثبت در تاریخ ماندگار شد، نیاز بود ما هم این حرکت عظیم را که به قیمت جانفشانی بهترین فرزندان این سرزمین صورت گرفته بود، با